

تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در حقوق ایران

ابوالحسن شاکری* سید مسعود حیدری**

چکیده

نظر به ناکارآمدی مجازات حبس کوتاه مدت در بازپروری زندانیان در ایران ابتدا قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ و سپس مجازات جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۷۰ پیش بینی شده است که مورد اخیر به معنای حذف مجازات حبس کوتاه مدت از نظام کیفری ایران نیست، زیرا طبق قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۷ و قسمت دوم ماده ۶۸ با لحاظ مفهوم "می تواند" قاضی اختیار به صدور حبس کمتر از ۹۱ روز یا به استفاده از مجازات های جایگزین حبس دارد، در مورد اخیر تحقق شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا از جمله گذشت شاکری الزامی است که از این جهت اطلاق رای وحدت رویه هیات عمومی دایوانعالی کشور بشماره ۷۴۶ سال ۱۳۹۴ در خصوص ماده ۶۸ ق.م.ا محل تامل است، به غیر از مواد فوق قاضی ملزم است در جرایم عمدی که مجازات آن در قانون کمتر از ۶ ماه حبس باشد یا در جرایم غیر عمدی که مجازات قانونی آن کمتر از

* دانشیار حقوق جزا و جرم شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
(نویسنده مسئول) shakeri_criminallaw@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
masoud.heydari71@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶

۲ سال حبس است بجای حبس به مجازات های جایگزین حکم دهد بدون اینکه نیازی به شرایط مذکور در ماده ۶۴ این قانون باشد که دلالت بر نسخ بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ قانون وصول دارد.

واژه‌های کلیدی: مجازات، جایگزین، جزای نقدی، محکوم، گذشت شاکی.

۱. مقدمه

دولت‌ها همواره درصدد هستند با تنظیم قوانین مختلف در جهت حفظ مصالح و منافع عمومی جامعه گام بردارند، اما در این بین همواره افرادی نیز هستند که پای‌بند به مقررات نباشند و تلاش کنند به حقوق دیگران صدمه بزنند، از این‌رو دولت‌ها با توجه به اهمیت حقوق شهروندان «به ویژه حق حیات و آزادی» با جرم‌انگاری‌ها و ضمانت‌اجراهای مختلف از جمله مجازات برقراری نظم و ایجاد آرامش در جامعه را دنبال می‌کند. مجازات در لغت به معنای پاداش دادن و جزا دادن در نیکی و بدی است (دهخدا، ۱۳۷۴: ۱۸۱)، معنی اصطلاحی مجازات خیلی دور از معنی لغوی‌اش نیست از این جهت منظور از مجازات آزاری است که قاضی به علت ارتکاب جرم و به نشانه نفرت جامعه از عمل مجرمانه و مرتکب آن برای شخصی که مقصر است طبق قانون تعیین می‌کند (باهری، ۱۳۸۰: ۳۶۶)، از جمله مجازات حبس و جزای نقدی است، حبس^۱ در قانون تعریف نشده است ولی در تعریف زندان ماده ۳ آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ مقرر داشته است: «محل است که در آن محکومانی که حکم (به حبس) آنان قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگه‌داری می‌شوند»؛ بدین ترتیب اگر زندان محل حبس است، حکم دادگاه به مجازات نگه‌داری محکوم در آنجاست. حبس از حیث مدت کوتاه‌مدت، بلندمدت یا در مراتبی از آن‌ها است. مفهوم حبس «کوتاه‌مدت» دقیقاً روشن نیست، در حقیقت آنچه معلوم نیست مدت زمانی است که حبس مشمول عنوان «کوتاه‌مدت» است (اردبیلی، ۱۳۷۲: ۲۷۹). تحقیقاً کمترین مدت

حبس مقرر در قانون با واحد روز یا ماه حبس‌های کوتاه‌مدت هستند مثل حبس کمتر از ۹۱ روز که در مقابل حبس با واحد سال قرار دارد. برخی معتقدند حبس کوتاه‌مدت معایب زیادی دارد که باید آن را «داروی بدتر از درد» لقب داد به این خاطر که نه می‌توان هیچ رژیم تربیتی و اصلاحی معمول و نه می‌توان هیچ نتیجه مهمی را از آن انتظار داشت (صلاحی، ۱۳۵۴: ۱۱۵)، بدون تردید مجازات حبس کوتاه‌مدت مشکلاتی را برای جامعه ایجاد می‌کند که آثار سوء این نوع مجازات را نسبت به مقاصد آن به شدت کاهش می‌دهد، از جمله آن تأثیر سوء حبس بر شخصیت زندانی، آموزش جرائم، پایین آمدن سطح بهداشت و اخلاق است.

جامعه نوعاً محکوم‌به حبس را شدیدتر از محکوم‌به جزای نقدی تقبیح می‌کند، زیرا ننگ و سرافکنندگی حبس بیش از جزای نقدی است (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۱۶۹). جزای نقدی که در حق دولت پرداخت می‌شود مبلغی وجه نقد است که به عنوان مجازات بر عهده مجرم گذارده می‌شود (علی‌آبادی، ۱۳۶۸: ۱۱۲)، جزای نقدی معمولاً مجازات جرائم کم‌اهمیت است بر این اساس در حقوق انگلیس در جرائم بدون کیفرخواست (جرائم اختصاری) که کم‌اهمیت هستند حداکثر مجازات، جزای نقدی است (Martin, 2002: 203)، اما در ایران اینچنین نیست که مجازات جرائم بدون کیفرخواست مثل زنا حتماً کم‌اهمیت و جزای نقدی باشد. البته در موارد خاصی جزای نقدی جایگزین حبس می‌شود، بررسی تاریخ تحول مجازات اجتماعی حکایت از این دارد که این مجازات در قالب الگوهای گوناگونی به کار گرفته شده‌اند، یکی از این‌ها الگوی جایگزینی است، کیفرهای جایگزین حبس تحت عنوان «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت» وارد نظام کیفری کشورها شدند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲-۱۳۸۳: ۲۰)، نخستین هدفی که از اجرای مجازات جایگزین حبس دنبال می‌شد بازدارندگی و درمان بزهکاران بود (Mackenzie, 2001: 11) و یکرنگی و ایران‌منش، ۱۳۸۷: ۱۳۶)، هرچند برخی از پژوهشگران به فقدان دلیل بر بازدارندگی و ضعف جنبه تنبیهی جایگزین‌های حبس به عنوان یکی از نقاط ضعف این مجازات اشاره دارند (آشوری، ۱۳۸۲: ۳۹۸ الی ۴۱۳ و زینالی، ۱۳۸۷: ۴۷)، ولی اکنون اندیشه جایگزین‌های کیفر حبس به جزای نقدی یا دیگر مجازات را باید از یکسو آثار منفی و مخرب زندان و شخصی کردن مجازات و از

سوی دیگر نوعی پاسخ به هزینه‌های بسیار زیاد کیفر حبس برای جامعه دانست. نخستین گام در خصوص تبدیل حبس به جزای نقدی «ماده واحده قانون امکان تبدیل زندان در امور خلافی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد به جزای نقدی» مصوب ۱۳۰۷/۲/۲۶ کمیسیون عدلیه بود. متعاقب آن ماده ۱۱ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ دادگاه‌ها را به تبدیل مجازات قانونی حبس کمتر از ۶۱ روز به جزای نقدی ملزم کرد. در سال ۱۳۶۸ بند ۱ تبصره ۱۷ ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید؛^۴ بعد از آن در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین در بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ وضع گردید^۵ (مبالغ جزای نقدی مذکور در این قانون در تاریخ ۱۳۸۹/۰۱/۱۸ اصلاح شد) که از سیاست قانون‌گذار به عدم اجرای حبس کمتر از ۹۱ روز و تبدیل آن به جزای نقدی حکایت می‌کرد. سپس با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۶۵ مقرر شده است: «مرتکبان جرائم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها سه ماه حبس است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند». رویکرد قانون‌گذار به حبس کمتر از ۹۱ روز که در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی از جمله ماده ۷۰^۶ به آن توجه شده موجب طرح سؤالاتی به این شرح است: آیا مقررات مجازات جایگزین حبس قانون مجازات اسلامی قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و اصلاحی آن را در خصوص الزام تبدیل حبس به جزای نقدی نسخ کرده است؟ و آیا برای اعمال ماده ۶۵ ق.م.ا.م.ب بر الزام به جایگزینی حبس تا ۳ ماه، نیاز به شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا.م.ب از جمله گذشت شاکی و وجود جهات مخففه است؟ و آیا قضات محاکم با اعمال تخفیف مجازات مذکور در بند الف ماده ۳۷ ق.م.ا.م.ب بر تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه، مجاز به صدور حبس کمتر از ۹۱ روز هستند؟ به منظور پاسخ به این سؤالات و ابهامات مربوط به اعتبار قانون وصول با لحاظ موازین حقوقی مباحث از حیث الزام یا جواز محاکم در رابطه با مجازات جایگزین حبس تحت عناوین «الزام محاکم به استفاده از جایگزین حبس» و «اختیار محاکم به حبس کمتر از ۹۱ روز بدون جواز استفاده از جایگزین حبس» به شرح زیر بررسی و تحلیل گردیده است.

۲. الزام محاکم به استفاده از جایگزین حبس

هر دو قانون وصول و قانون مجازات اسلام (در مواد زیر عنوان مجازات جایگزین حبس) نظر به عدم محکومیت به حبس و توجه به مجازات دیگری مثل جزای نقدی دارند که از این جهت به نظر می‌رسد این دو قانون در تقابل با یکدیگر هستند، لذا مباحث تحت عناوین «تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در الزام به جزای نقدی بدل از حبس کمتر از ۹۱ روز» پس از آن «تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در الزام به جزای نقدی بدل از حبس کمتر از ۶ ماه» به شرح زیر قابل بررسی است.

۲.۱. تقابل مجازات جایگزین با قانون وصول در الزام به جزای نقدی بدل از حبس

کمتر از ۹۱ روز

حقوق کیفری در هر جامعه واحد نقش سرکوبگرانه است که از طریق مجازات مختلف پیش‌بینی شده در قوانین جزایی اعمال می‌شود، ماده ۶۴ ق.م.ا در تعریف مجازات جایگزین حبس^۷ آورده است: «مجازات جایگزین حبس عبارت از دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی^۸، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی^۹ است که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می‌شود». استفاد از این ماده در جرائم قابل گذشت با توجه به اینکه با اعلام گذشت شاکی قرار موقوفی تعقیب صادر و پرونده مختومه می‌شود عدم تعیین مجازات جایگزین حبس بدیهی است، بنابراین لاجرم باید قائل بر این بود که مجازات جایگزین حبس در جرائم غیرقابل گذشت تعیین و اجرا می‌گردد (شمس ناتری، ۱۳۹۳: ۱۸۶) که لزوماً باید تعزیری اعم از غیر منصوص شرعی یا با منشأ حکومتی باشد، زیرا قاضی مجاز نیست مجازات حدود، قصاص، تعزیرات منصوص شرعی و دیات مذکور در قانون را به مجازات دیگری تبدیل کند.

تا قبل از تنظیم و اجرای آیین‌نامه اجرائی مجازات جایگزین حبس ۱۳۹۳^۱، هرگاه در قوانین برای جرمی مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز پیش‌بینی شده بود مقرر مذكور در بند ۱ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت حاکم بود که بر اساس آن قضات دادگاه‌ها الزاماً می‌بایست حبس کم‌تر از ۹۱ روز را به جزای نقدی تبدیل می‌کردند^{۱۱}، زیرا نمی‌توان به قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات جایگزین حبس عمل کرد که طبق ماده ۷۹ این قانون اجرايان منوط به وضع آیین‌نامه اجرائی شده است، با این حال گرایش جدیدی در استفاده از مجازات کوتاه‌مدت زندان، البته نه به عنوان تنبیه یا اصلاح محکوم بلکه با هدف مداخله آنی جامعه در جهت ایجاد یک ضربه روانی سودمند به وجود آمده است (آنسل، ۱۳۷۵: ۹۸)، به همین خاطر جز در موارد استثنائی از مجازات حبس به ویژه مجازات حبس کوتاه‌مدت نباید استفاده کرد.

مستند به ماده ۷۰ ق.م.ا در صورت تعذر از اجرای مجازات جایگزین حبس اجرای حبس کمتر از ۹۱ روز ممکن است، البته لازم به ذکر است اطلاق ماده ۷۰ ق.م.ا با مفاد مواد ۱۲۸۱ و ۱۳۸۲ ق.م.ا تقیید می‌خورد یعنی باید یک مرتبه مجازات جایگزین تمدید شده باشد و امکان رفع مانع هم نباشد؛ بر این اساس سیاست قانون‌گذار برخلاف مقررات قانون وصول در بند ۱ ماده ۳ در مورد حبس‌های کوتاه‌مدت کمتر از ۹۱ روز است. به عنوان مثال مرتکب جرمی که در قانون برای آن مجازات تا ۹۰ روز حبس تعیین شده است ابتدا دادگاه ۹۰ روز حبس یا کمتر را برای او تعیین می‌نماید سپس در حکم صادره مستند به بند الف ماده ۸۴ ق.م.ا به جای حبس وی را به انجام خدمات عمومی شهری به مدت دویست و هفتاد ساعت به عنوان مجازات جایگزین محکوم می‌کند، حال چنانچه محکوم‌علیه از انجام خدمات عمومی جایگزین حبس خودداری کند مجازات حبس علیه او به مورد اجرا گذارده می‌شود (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۱۱۸)، لذا صدور حکم به مجازات جایگزین حبس مجازات حبس را به طور کلی منتفی نمی‌سازد همچنان که در حقوق فرانسه این‌چنین است^{۱۲}، به عبارت دیگر مجازات جایگزین حبس مجازات غیرقطعی است و قطعیت آن مشروط به تحقق شرایطی وابسته به رفتار مجرم است، پس باید بدل جایگزین حبس معین و در حکم قید شود تا در صورت عدم امکان اجرای مجازات جایگزین مجازات اصلی به اجرا

درآید(زراعت، ۱۳۹۲ الف: ۱۵۴). این تدبیر قانون‌گذار برای جلوگیری از تشکیل جلسه مجدد دادگاه در صورت معذور بودن اجرای مجازات جایگزین حبس است(آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۱: ۲۶۳)، ثمره چنین سازوکاری این است که اگر محکوم‌علیه از تحمل مجازات جایگزین حبس سر باز زند یا در هنگام اجرای آن از دستورات دادگاه سرپیچی کند حکم مجازات جایگزین حبس لغو شده و مجازات «حبس» به اجرا در می‌آید، بنابراین مقنن با شرایطی معتقد به حبس کوتاه‌مدت کمتر از ۹۱ روز است.

در خصوص تعارض نظر قانون‌گذار در ماده ۷۰ ق.م.ا به حبس کمتر از ۹۱ روز با صراحت بند ۱ ماده ۱۵۳ قانون وصول که بر اساس آن الزاماً باید حبس کمتر از ۹۱ روز به جزای نقدی تبدیل شود دو نظر است: نظر اول، نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه شماره ۷/۹۲/۱۱۰۸ مورخ ۹۲/۶/۱۲ است که در مقام پاسخ به این سؤال: آیا بند ۱ ماده ۳ قانون وصول با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسخ شده است یا خیر؟ بیان کرده است: «مطابق بند یک در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس باشد، به جای حبس حکم به جزای نقدی صادر می‌شود و این امر یک تکلیف قانونی است؛ اما طبق ماده ۶۴ ق.م.ا مجازات جایگزین حبس موقعی قابل اعمال است که محکوم‌علیه واجد شرایط تخفیف باشد، در غیر این صورت مجازات جایگزین اعمال نخواهد شد، مثلاً دادگاه مجازات متهم سابقه‌دار را در صورت ارتکاب جرمی که حداکثر مجازات آن ۳ ماه حبس باشد باید اجباراً به جزای نقدی تبدیل کند اما نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس محکوم نماید، در نتیجه بند یک ماده ۳ قانون وصول از مقررات مجازات جایگزین حبس خفیف‌تر و نسخ نشده است». توجه به این نظریه اداره حقوقی دلالت بر آن دارد که هم بند ۱ ماده ۳ قانون وصول مبنی بر تبدیل الزامی حبس کمتر از ۹۱ روز به جزای نقدی و هم ماده ۶۵ ق.م.ا مبنی بر الزام به جایگزینی حبس تا ۳ ماه اعتبار خود را دارند، در این صورت ظاهر و نتیجه آن است که گویا ماده ۶۵ ق.م.ا بیهوده وضع شده است، زیرا که ماده مذکور کاملاً از نظر میزان مجازات با بند ۱ ماده ۳ قانون وصول هم‌پوشانی دارد؛ در حالی که باید گفت چون ماده ۶۵ ق.م.ا اراده جدید قانون‌گذار است و از طرفی با لحاظ اینکه اگر قلمرو دو قانون یکی باشد و بتوان بین دو قانون مطروحه تشابه موضوعی یافت امکان نسخ قانون اول

وجود دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۴۰ به بعد)، برای جلوگیری از تعارض قوانین و همچنین با توجه به اینکه هر دو قانون وصول در بند ۱ و ماده ۶۵ ق.م.ا.خاص و دارای حبس کمتر از ۹۱ روز می‌باشند به دست می‌آید که ماده ۶۵ ق.م.ا.مؤخر التصویب، بند ۱ ماده ۳ قانون وصول مقدم التصویب را نسخ کرده است.

چنانچه اعتقاد بر این باشد که برای برخورداری از مجازات جایگزین حبس شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا. برای تمامی موارد جایگزین حبس در مواد مختلف فصل نهم از قانون مجازات اسلامی ضروری است و مرتکب باید گذشت شاکی را در کنار سایر جهات مخففه به دست آورد، تالی فاسد آن می‌شود که بزهکاران با شناخت از اینکه ماده ۳ قانون وصول هیچ پیش شرطی را مقرر نداشته است صرفاً با پرداخت جزای نقدی مقرر در قانون وصول رهایی یابند و اگر همان را پرداخت نکردند حبس نخواهند شد، هدف قانون‌گذار از ماده ۶۴ ق.م.ا. که جلب گذشت شاکی خواهد بود محقق نخواهد شد، در حالی که تصریح مقنن در ماده ۱۹ ق.م.ا. به مجازات حبس تا ۳ ماه به عنوان مجازات اصلی دلیل بر جواز صدور حکم به این مدت حبس و در نتیجه بی‌اعتباری قانون وصول به تبدیل بدون بازگشت حبس کمتر از ۳ ماه به جزای نقدی است، اجرای ماده ۱۹ ق.م.ا. را می‌توان در رعایت نکردن مجرم از اجرای مجازات تکمیلی مذکور در ماده ۲۴ ق.م.ا.^{۱۶} دانست که قانون‌گذار ضمانت اجرای چنین رفتاری را در صورت تکرار تبدیل بقیه مدت محکومیت مجرم به حبس درجه ۸ در ماده ۱۹ ق.م.ا. یعنی تا ۳ ماه حبس می‌داند.

تحقیقاً با وضع ماده ۶۵ ق.م.ا. نیز هر چند در ابتدا مجرم به ۳ ماه حبس حکم صادر نخواهد شد و باید حکم به جایگزین حبس صادر شود، همچنان که به‌صراحت در رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ هم آمده است که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس در خصوص ماده ۶۵ ق.م.ا. الزامی است، ولی این امکان است که با لحاظ ماده ۷۰ ق.م.ا. یعنی در صورت تعذر از اجرای مجازات جایگزین حبس محکومیت به حبس تا ۳ ماه به اجرا در آید، در حالی که اگر قانون وصول را معتبر دانسته شود که قاضی ملزم به تبدیل حبس کمتر از ۳ ماه به جزای نقدی است هرگز حکم به حبس کمتر از ۳ ماه به اجرا در

نخواهد آمد، در مقابل محکوم صرفاً ملزم به پرداخت جزای نقدی است بر این اساس ماده ۷۰ ق.م.ا در این خصوص مهمل خواهد بود. شاید با این ملاحظات بوده است که متعاقباً اداره حقوقی نظر قبلی خود را اصلاح و با ارائه نظر دوم به شرح زیر به نسخ قانون وصول تغییر جهت داده است.

اداره حقوقی در نظریه شماره ۷/۹۲/۲۱۱۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۶ بیان داشت: «طبق ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷ رسیدگی به جرائمی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها تا ۳ ماه حبس باشد در صلاحیت شورای حل اختلاف است و این امر مربوط به زمانی بوده است که طبق بند ۱ ماده ۳ قانون وصول امکان صدور حکم حبس وجود نداشته است و شورای حل اختلاف نیز مکلف به تبدیل این مجازات به جزای نقدی بوده است، اما در صورت احراز مقررات مربوط به جایگزین‌های حبس از جمله ماده ۶۴ ق.م.ا علاوه بر جزای نقدی امکان صدور دیگر مجازات از جمله خدمات عمومی رایگان نیز وجود دارد. از طرفی طبق ماده ۷۰ همین قانون دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین مدت مجازات حبس را تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین تخلف دستورها و یا عجز از پرداخت جزای نقدی مجازات حبس اجرا شود و همچنین طبق قسمت اخیر ماده ۸۱ قانون مذکور در صورت تکرار تخلف مجازات حبس اجرا می‌گردد، در نتیجه در مجازات جایگزین حبس تا ۳ ماه اجرای مجازات حبس محتمل است و چون شورای حل اختلاف مجاز به تعیین یا صدور حکم حبس نیست، لذا قسمت اخیر بند ۱ از ماده ۹ قانون شورای حل اختلاف نسخ ضمنی شده است و رسیدگی به این موارد در صلاحیت دادگاه‌ها است که به استناد تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۸^{۱۸} رسیدگی به جرائم با مجازات کمتر از ۳ ماه حبس به طور مستقیم در دادگاه صورت می‌گیرد و نیاز به صدور کیفرخواست و تعقیب در دادسرا نیست». اگر طبق این نظریه، شورای حل اختلاف^{۱۹} با وضع قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات جایگزین حبس صلاحیت رسیدگی به جرائم با مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز و تبدیل آن به جزای نقدی را ندارد و باید توسط دادگاه رسیدگی و حکم به مجازات جایگزین حبس صادر شود تا در صورت تعذر از اجرای مجازات جایگزین حبس حکم

به حبس به اجرا در آید، این نتیجه نیز حاصل می‌شود که بند ۱ ماده ۳ قانون وصول نسخ است، چراکه در صورت صرف تبدیل الزامی حبس کمتر از ۹۱ روز به جزای نقدی نه می‌بایست شورای حل اختلاف صلاحیت خود را در رسیدگی به این نوع جرائم از دست بدهد و نه اینکه قانون وصول لاجرم اعتبار خود را از دست بدهد، همین‌طور در صورت طرح این نوع پرونده‌ها یعنی جرائم با مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز در دادگاه‌ها، قضات نه بر اساس قانون وصول بلکه بر اساس مقررات مربوط به مجازات جایگزین حبس تصمیم می‌گیرند که خود دلالت بر نسخ ضمنی قانون وصول دارد.

قانون شورای حل اختلاف در بند ح ماده ۹ که در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۹ به تصویب رسیده است فقط جرائم تعزیری را که «صرفاً» مجازات آن‌ها جزای نقدی درجه هشت است در صلاحیت شورای حل اختلاف دانسته است که مفهوم مخالف این است چنانچه قانون‌گذار برای جرائم مجازاتی غیر از جزای نقدی درجه هشت مثلاً حبس ولو کمتر از ۹۱ روز در نظر گرفته باشد شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی و صدور حکم به آن را ندارد^۲، به عبارت دیگر با مقایسه بین دو قانون ۱۳۸۷ و ۱۳۹۴ مربوط به شورای حل اختلاف و توجه به تغییراتی که قانون‌گذار «تعمداً» در خصوص صلاحیت این شورا به رسیدگی به جرائم در قانون به وجود آورده است در خصوص جرائم با میزان مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز شورای حل اختلاف نمی‌تواند بر اساس قانون وصول تصمیم‌گیری کند، یعنی اتخاذ تصمیم در این جرائم با دادگاه است که تحقیقاً رویکرد و استناد دادگاه برای صدور رأی مقررات مجازات جایگزین حبس قانون مجازات اسلامی است نه قانون وصول که در تعارض با مقررات جایگزین حبس مؤخر التصویب است، این در حالی است که طبق مقررات شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷ جرائم با حبس کمتر از ۹۱ روز در صلاحیت این مرجع بوده و این شورا طبق قانون وصول مصوب ۱۳۷۳ موظف به تبدیل حبس به جزای نقدی بوده است.

علاوه بر تصریح تبصره ماده ۶۴ ق.م.ا که دادگاه (و نه هیچ مقام دیگر) را صالح در صدور حکم به مجازات جایگزینی دانسته مفاد ماده ۷۰ ق.م.ا که برای دادگاه تکلیف ایجاد کرده است قابل توجه است به اینکه در ضمن حکم خود علاوه بر درج نوع و

میزان مجازات جایگزین حبس مدت مجازات حبس را هم قید کند تا در صورت تعذر از اجرای مجازات جایگزین حبس به اجرا درآید، در حالی که شورای حل اختلاف نمی‌تواند در حکم محکومیت مدت حبس را قید کند و اساساً نمی‌تواند حکم حبس صادر کند، بر این اساس پرونده کیفری متضمن اتهام به جرمی با مجازات زیر ۳ ماه حبس مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شوند و دیگر شورای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به آن را نخواهد داشت، هرچند در دادگاه هم در ابتدا حکم به حبس صادر نخواهد شد بلکه با ارجاع پرونده به دادگاه و احراز مجرمیت مرتکب حکم به مجازات جایگزین حبس برای مجرم یک فرصت است که بتواند از آن استفاده کند و راهی زندان نشود، اگر بیم تجری مجرم باشد و تمایل به اصلاح نداشته باشد بنابر نص صریح ماده ۷۰ ق.م.ا با شرایط مقرر اجرای حکم حبس کمتر از ۹۱ روز فاقد اشکال خواهد بود، در حالی که طبق قانون وصول هرگز این مجرم که در ارتکاب و تکرار جرم جری است حبس نخواهد شد.

۲.۲. تقابل مجازات جایگزین حبس با قانون وصول در الزام به جزای نقدی بدل از

حبس کمتر از ۶ ماه

قانون‌گذار در ماده ۶۶ ق.م.ا برای مرتکبان جرائم عمدی هم که مجازات قانونی آن‌ها حداکثر ۹۱ روز تا شش ماه حبس است به شرط نداشتن سابقه محکومیت کیفری به دلیل ارتکاب جرم عمدی که از اجرای آن پنج سال گذشته باشد مجازات جایگزین حبس را مقرر کرد که در خصوص قسمت اول این ماده دو برداشت قابل تصور است، اول اینکه قانون‌گذار در ماده ۶۶ ق.م.ا صرف نظر از اینکه مرتکب شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا را داشته یا نداشته باشد قاضی را ملزم به استفاده از مجازات جایگزین می‌کند، ولی در مقابل برداشت دیگری هم وجود دارد به اینکه قاضی صرفاً در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۶۴ این قانون مثل گذشت شاکی ملزم است به جای حبس به مجازات جایگزین حبس حکم دهد (زراعت، ۱۳۹۲ ب: ۳۳۲). برداشت اول یعنی بی توجهی به شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا نسبت به برداشت اخیر از ماده ۶۶ ق.م.ا یعنی لحاظ شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا با اصل تفسیر مضیق و شک به نفع متهم نزدیک‌تر است، به علاوه ظاهر

عبارت «محکوم می‌گردند» مذکور در ماده ۶۶ این قانون هم دلالت بر اراده و دستور قانون‌گذار به اعمال مجازات جایگزین حبس مذکور در ماده ۶۴ ق.م.ا. صرف نظر از شرایط مقرر در آن دارد همچنان که تحقیقاً بر این اساس بوده است که رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور به شماره ۷۴۶ مصوب ۱۳۹۴ صادر شد که در آن به صراحت تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس مذکور در ماده ۶۶ ق.م.ا. را منوط به گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف مذکور در ماده ۶۴ ق.م.ا. نکرده است. البته اطلاق این رأی وحدت رویه در خصوص ماده ۶۶ این قانون محل نقد و تأمل است، زیرا این ماده دارای دو قسمت است، تحقیقاً قسمت اول ماده مزبور داخل در مفهوم رأی وحدت رویه فوق‌الذکر است ولی قسمت دوم این ماده یعنی آنجا که مرتکب سابقه محکومیت کیفری به دلیل ارتکاب جرم عمدی را داشته باشد و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد خارج از شمول رأی وحدت رویه است زیرا اساساً به مرتکب جرائم عمدی که سابقه محکومیت کیفری داشته و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد مجازات جایگزین حبس تعلق نمی‌گیرد، لذا بایدان را منصرف از اطلاق رأی وحدت رویه مزبور در خصوص ماده ۶۶ ق.م.ا. دانست و اگر لازم است که مجرم مستحق ارفاقاتی مثل تخفیف مجازات قرار گیرد باید مستند و لحاظ شرایط مواد ۳۷ و ۳۸ ق.م.ا. باشد.

مفاد قسمت اول ماده ۶۶ ق.م.ا. بدون لحاظ استثنای مذکور در آن با مفاد بند ۲ ماده ۳ قانون وصول تا میزان ۶ ماه حبس قابل قیاس است، به موجب قانون وصول مقنن این اختیار را به محاکم داده است که به حبس بیش از ۹۰ روز یا جزای نقدی مقرر در قانون مزبور حکم دهد در این صورت این قسمت ماده ۶۶ ق.م.ا. در مقایسه با بند ۲ ماده ۳ قانون وصول از شرایط سبک‌تری برخوردار است و از این جهت به نفع متهم خواهد شد که در همان قدم نخست به جای حبس به جایگزین حبس محکوم شود، زیرا در بند ۲ قانون وصول این امکان وجود دارد که چنانچه قاضی جزای نقدی را متناسب تشخیص ندهد مجرم را به حبس محکوم کند، در حالی که بر حسب ماده ۶۶ ق.م.ا. قاضی ملزم است آنجا که مجازات جرمی تا ۶ ماه حبس است بدو از مجازات جایگزین حبس استفاده کند که مخفف به حال متهم است، لذا از این جهت در نسخ بند ۲ ماده ۳ قانون وصول تا میزان حبس ۶ ماه تردیدی باقی نمی‌ماند.

اختلاف آنجایی مطرح می‌شود که میزان حبس قانونی جرم ارتكابی از ۶ ماه بیشتر باشد در این صورت بنابر ماده ۶۷ ق.م.ا قاضی اختیار به تبدیل مجازات قانونی حبس تا ۱ سال به مجازات جایگزین حبس را خواهد داشت (توجه اینکه برای بیش از مقدار ۱ سال حبس در جرائم عمدی در قانون مجازات اسلامی تصریحی نشده است که محل بحث خود را دارد)، همچنین طبق بند ۲ ماده ۳ قانون وصول هم قاضی مخیر است به حبس بیش از ۹۰ روز یا جزای نقدی حکم دهد، بنابراین در مواردی که میزان حبس جرم ارتكابی از ۶ ماه بیشتر باشد شرایط قانون مجازات اسلامی در اعطای مجازات جایگزینی و قانون وصول در بند ۲ ماده ۳ یکسان خواهد بود، زیرا در هر دو مورد امکان اجرای حبس وجود خواهد داشت، ولی با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی از نظر تنوع مجازات جایگزین حبس برخلاف قانون وصول منحصر در جزای نقدی نیست اختیار محاکم را برای صدور حکم به مجازات جایگزین حبس که خفیف‌تر از جزای نقدی باشند، بیشتر می‌کند، مضافاً اینکه هم ماده ۶۷ ق.م.ا و هم بند ۲ ماده ۳ قانون وصول در زمره قوانین خاص قرار دارند و چون قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون وصول قانون لاحق است بنابراین می‌بایست اراده جدید مقنن را که همانا ماده ۶۷ ق.م.ا است ملاک عمل قرار داد و آن را ناسخ بند ۲ ماده ۳ قانون وصول دانست، بدین ترتیب رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹ مبنی بر اینکه «به صراحت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول تعیین مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز برای متهم مخالف نظر مقنن و روح قانون است و چنانچه نظر دادگاه به تعیین مجازات حبس کمتر از مدت مزبور باشد می‌بایستی حکم به جزای نقدی بدهد» اعتبار خود را از دست می‌دهد، زیرا که در زمان حاکمیت قانون وصول و در مقام تفسیر بند ۲ ماده ۳ این قانون بود که اکنون به جهات فوق با تصویب قانون مجازات اسلامی نسخ شده است.

۳. اختیار محاکم به حبس کمتر از ۹۱ روز بدون جواز استفاده از جایگزین حبس محاکم در مواردی اختیار دارند مجرم را به حبس کمتر از ۹۱ روز محکوم کنند، در این صورت مجاز به استفاده از مجازات جایگزین حبس نیستند، موارد صدور این

حکم تحت عناوین «جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در مقام تخفیف» پس از آن «جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در جرائم عمدی با حداکثر حبس بیش از ۶ ماه تا ۱ سال» و در انتها «جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در جرائم غیرعمدی با حبس بیش از ۲ سال» به شرح زیر قابل بررسی است.

۳.۱. جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در مقام تخفیف

در مواردی که حداقل و حداکثر حبس مقرر در قانون بیشتر از ۹۰ روز باشد مثلاً اگر مجازات جرمی در درجه ۵ قرار گیرد که مستند به ماده ۱۹ ق.م.ا مجازات آن بیش از ۲ تا ۵ سال حبس است و با اعمال بند الف ماده ۳۷ ق.م.ا حبس به میزان یک تا سه درجه تقلیل یابد این مجازات به درجه ۸ کاهش می‌یابد که یکی از مجازات درجه ۸ ماده ۱۹ ق.م.ا حبس تا ۳ ماه است، در این صورت در مقام اعمال تخفیف صدور حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز فاقد ایراد قانونی است. تردیدی که ممکن است وجود داشته باشد اولاً صراحت قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۵ ق.م.ا است که به موجب آن حبس کمتر از ۹۱ روزه جایگزین حبس تبدیل می‌شود، ولی در مقابل باید گفت استناد به ماده ۶۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص تبدیل مجازات حبس کمتر از ۳ ماه در حکم دادگاه به مجازات جایگزین حبس صحیح نیست، زیرا این ماده ناظر به مجازات قانونی جرم یعنی حبس کمتر از سه ماه در قانون است^{۲۱} نه مجازات قضایی، یعنی آن مجازاتی که قاضی پس از اعمال تخفیف این مجازات به کمتر از ۳ ماه حکم می‌دهد. پس اگر قاضی با اعمال بند الف ماده ۳۷ ق.م.ا به حبس کمتر از ۳ ماه حکم دهد این مجازات به مجازات جایگزین حبس تبدیل نخواهد شد، بعلاوه به صراحت ماده ۷۳ ق.م.ا تبدیل حبس تقلیل یافته به مجازات جایگزین حبس ممنوع است.

تردید دوم رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ مورخ ۲۱/۳/۹۸ است که به موجب آن حبس کمتر از ۹۱ روز باید به جزای نقدی تبدیل گردد، ولی باید خاطر نشان کرد این رأی محل اختلاف محاکم در تعیین مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز در وضعیتی بود که مجازات قانونی آن دارای حداقل حبس کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آن بیشتر از ۹۱ روز بود که مشمول ماده ۳ قانون وصول می‌گردید نه غیر آن^{۲۲}؛ همچنان که در آغاز رأی

وحدت رویه نیز صراحتاً از بند ۲ ماده ۳ قانون وصول و جرائم با حداقل مجازات کمتر از ۹۱ روز بحث شده است، در این صورت اگر قاضی به حبس کمتر از ۹۱ روز نظر داشت الزاماً می‌بایست حبس را به جزای نقدی تبدیل می‌کرد، لذا با این توصیف این رأی دلالتی بر ممنوعیت اعمال حبس کمتر از ۹۱ روز را در وضعیتی ندارد که حداقل و حداکثر حبس قانونی بیشتر از ۹۰ روز است که در واقع منصرف از آن است، یعنی این رأی نمی‌تواند مانع از صدور حکم به مجازات در مقام تخفیف به حبس کمتر از ۳ ماه و اجرای آن برای جرائمی باشد که در قانون مجازات آنها بیش از ۹۱ روز حبس پیش‌بینی شده است، به عبارت دیگر در این موارد قاضی می‌تواند به حبس کمتر از ۹۱ روز رأی دهد بدون اینکه ملزم و مجاب باشد حبس کمتر از ۹۱ روز را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند.

۳.۲. جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در جرائم عمدی با حداکثر حبس بیش از ۶ ماه تا

۱ سال

در مقایسه مفهوم «محکوم می‌گردند» مذکور در مواد ۶۵ و ۶۶ ق.م.ا با مفهوم «می‌تواند» مذکور در ماده ۶۷ ق.م.ا. به دست می‌آید که این دو معنی واحدی ندارند، بلکه در مقابل یکدیگر هستند، مفهوم «محکوم می‌گردند» دلالت بر الزام و مفهوم «می‌تواند» دلالت بر اختیار قاضی در استفاده از جایگزین حبس دارد؛ به موجب ماده ۶۷ ق.م.ا دادگاه اختیار دارد مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند. مفهوم مخالف این حکم قانونی با لحاظ کلمه «می‌تواند» آن است که دادگاه اختیار دارد مرتکب را به مجازات جایگزین حبس محکوم نکند، بلکه وی را به مجازات حبس محکوم کند و این حبس ممکن است از دو جهت کمتر از ۹۱ روز باشد یکی با اعمال جهات تخفیف مذکور در ماده ۳۸ ق.م.ا حبس بیش از ۹۱ روز به حبس کمتر از ۹۱ روز تبدیل گردد و دیگر اینکه قانون‌گذار در این ماده صرفاً به حداکثر مجازات قانونی جرم یعنی مجازات با بیش از ۶ ماه تا ۱ سال اشاره کرده و حداقل مجازات را بیان نکرده است که ممکن است این حداقل کمتر از ۳ ماه حبس باشد، در این صورت

قاضی ممکن است به کمتر از ۹۱ روز حبس حکم دهد. البته اگر قاضی بخواهد با لحاظ کلمه «می‌تواند» مذکور در ماده ۶۷ ق.م.ا.حس را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند ضرورتاً می‌بایست شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا.حس مثل گذشت شاکی را لحاظ کند. به عبارتی برای تبدیل مجازات حبس مذکور در ماده ۶۷ ق.م.ا.حس به جای مجازات حبس ۶۴ این قانون وجود داشت قاضی می‌تواند به جای حبس مجازات جایگزین در نظر بگیرد در غیر این صورت یعنی نبود شرایط قانونی ماده ۶۴ مزبور قاضی مجاز به استفاده از جایگزین حبس نخواهد بود.

ممکن است این‌گونه برداشت شود که با توجه به مفهوم مخالف ماده ۷۳ ق.م.ا.حس^{۲۴} این امکان برای محاکم وجود دارد که چنانچه در جرائم عمدی مجازات جرمی بیش از ۱ سال حبس باشد قاضی بدون در نظر گرفتن تخفیف، مجاز به صدور حکم مجازات جایگزین حبس خواهد بود، یعنی به‌طور کلی می‌توان مجازات جایگزین حبس را برای جرائم با مجازات بیش از یک سال هم در نظر گرفت، در حالی که اینچنین نیست زیرا با عنایت به اصل قانونی بودن مجازات مقنن در مواد ۸۳، ۸۴، ۸۵ و ۸۶ ق.م.ا.حس میزان دقیق مجازات جایگزین حبس را فقط برای مواردی که طبق مواد فصل نهم از قانون مجازات اسلامی امکان استفاده از آن وجود دارد مشخص کرده است و برای بیش از مقدار فوق یعنی جرائم عمدی با بیش از ۱ سال حبس مجازات جایگزین حبس پیش‌بینی نشده است، همچنین قانون‌گذار با وضع ماده ۷۳ ق.م.ا.حس قصد داشته است از اختیار بیش از حد قضات در اعطای نظام جایگزین حبس بکاهد و محاکم نتوانند مجرمی را که حبس آن در جرائم عمدی بیش از ۱ سال است با اعمال تخفیف به کمتر از ۱ سال تقلیل و سپس آن را به جایگزین حبس تبدیل کنند یعنی مجازات جایگزین حبس به لحاظ آنکه در فصل جداگانه‌ای از قانون مجازات اسلامی قرار داده شده است فقط مربوط به همان موارد تصریح شده در فصل نهم (نه غیر آن) است؛ بنابراین مجازات جایگزین حبس به تعدادی از جرائم محدود و گروه اندکی از مجرمان را شامل می‌شود (Brownlee, 1998: 26)، این محدودیت موجب می‌شود بسیاری از جرائمی که اغلب محکومیت‌های حبس را به خود اختصاص می‌دهند از شمول مجازات جایگزین حبس خارج شوند.

بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برای جرائمی که حداکثر آن از ۹۱ روز حبس بیشتر است سقفی از حداکثر مجازات حبس را مشخص نکرده است، لذا ممکن است جرائم عمدی با میزان حبس بیش از ۱ سال را هم در بر بگیرد یعنی جرمی که حداقل مجازات آن کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آن بیش از یک سال باشد که با اختیار قاضی به جزای نقدی تبدیل شوند، ولی از آنجایی که در قانون مجازات اسلامی برای جرائم عمدی بیش از ۱ سال حبس قاضی اختیاری به مجازات جایگزین حبس ندارد در تعارض با بند ۲ ماده ۳ قانون وصول و در نتیجه ناسخ آن است، مضافاً قابل توجه است که تا زمان وضع قانون وصول هیچ جرم عمدی در قانون ایران وضع نشده بود که حداقل مجازات آن ۹۱ روز حبس و حداکثر آن بیش از یک سال حبس باشد، بر این اساس اگر در این قانون به حداکثر بیش از ۹۱ روز حبس اشاره گردید، هرگز نظر مقنن بر بیش از یک سال حبس نبوده است، زیرا که تا آن زمان چنین جرمی با این مجازات وضع نشده بود تا بتواند اکنون در تعارض با قانون مجازات اسلامی باشد، یعنی محل تعارض سالب به انتفاء موضوع است.

۳.۱. جواز حبس کمتر از ۹۱ روز در جرائم غیرعمدی با حبس بیش از ۲ سال

در ماده ۶۸ ق.م.ا که به موجب آن دادگاه‌ها در تمام جرائم غیرعمدی صالح به صدور مجازات جایگزین حبس هستند تبصره ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که فقط مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ را از شمول بند ۱ ماده ۳ قانون وصول مستثنی کرده بود نسخ کرده است، زیرا مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ مزبور نظر بر توجه قاضی به مجازات حبس دارد ولی به موجب ماده ۶۸ ق.م.ا قاضی ملزم به محکومیت مرتکب به مجازات حبس نیست. به بیان صریح در جرائم غیرعمدی چنانچه مجازات قانونی جرمی کمتر از ۲ سال حبس باشد، حکم به مجازات جایگزین حبس الزامی است، ولی اگر مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از ۲ سال حبس باشد حکم به مجازات جایگزین حبس در اختیار قاضی است که برخلاف اطلاق رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۷۴۶ مصوب ۱۳۹۴ در خصوص ماده ۶۸ ق.م.ا است، در این رأی علی الاطلاق تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس با استناد به مواد ۶۵ و ۶۶ و ۶۸ و ۶۹ منوط به شرایط

مذکور در ماده ۶۴ این قانون یعنی گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف نیست، در حالی که باید بین قسمت اول ماده ۶۸ قانون مارالذکر که قاضی را ملزم به استفاده از جایگزین حبس می‌کند با قسمت دوم این ماده که قاضی را مجاز و مختار به استفاده از جایگزین حبس می‌کند تفاوت گذاشت، یعنی در خصوص قسمت دوم ماده ۶۸ این قانون به تعیین و اعمال جایگزین حبس قاضی باید شرایط ماده ۶۴ این قانون را در نظر بگیرد که این الزام به وجود شرایط از مفهوم مخالف رأی دیوان استنباط می‌شود چون به صراحت مفاد رأی تنها در موارد الزامی است که نیاز به شرایط ماده ۶۴ قانون مزبور نیست، در حالی که در موارد اختیار احراز شرایط ماده ۶۴ قانون مذکور الزامی است ولی در خصوص قسمت اول ماده ۶۸ این قانون اینچنین نیست، در واقع قاضی می‌تواند در جرائم غیرعمدی با مجازات بیش از ۲ سال حبس یکی از سه گزینه را انتخاب کند یا به بیش از ۲ سال حبس رأی دهد یا با لحاظ جهات مخففه مذکور در ماده ۳۸ ق.م.ا به مجازات حبس کمتر از ۲ سال حکم دهد که این مجازات قضایی مخففه ممکن است کمتر از ۹۱ روز حبس باشد که با نظر به ماده ۷۳ ق.م.ا این مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز به سبب تخفیف واقع شدن دیگر قابل تبدیل به مجازات جایگزین حبس نیست یا قاضی از اختیار خود استفاده کند و مجازات حبس بیش از ۲ سال در قانون را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند که در این صورت باید با لحاظ شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا باشد که از جمله آن گذشت شاکی و وجود جهات مخففه است؛ والا اگر مرتکب نتواند گذشت شاکی و جهات تخفیف را به دست آورد قاضی نمی‌تواند از اختیار خود به تبدیل مجازات حبس بیش از ۲ سال به مجازات جایگزین حبس استفاده کند که برخلاف اطلاق رأی وحدت رویه فوق‌الذکر در مورد قسمت دوم ماده ۶۸ این قانون است، از سوی دیگر چنانچه عقیده بر این باشد که شرایط ماده ۶۴ قانون مذکور حتی برای موارد اختیار به جایگزین حبس هم ضرورتی ندارد، در این صورت وضع این ماده بیهوده خواهد بود، این برداشت بیهودگی با هدف مختصر کردن مواد قانونی و حذف مواد مکرر از قوانین سازگاری ندارد، لذا از آنجا که متن رأی دیوان عالی کشور فوق الاشعار علی‌الاطلاق نگارش شده است پس قاضی اختیار خواهد داشت در جرائم مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ هم با لحاظ شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا به مجازات

جایگزین حبس از جمله جزای نقدی حکم دهد، در حالی که مطابق با تبصره ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ را از شمول بند ۱ ماده ۳ قانون وصول مستثنی کرده بود قاضی مجاز به تبدیل حبس جرائم مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ به جزای نقدی نبود، از این رو باید قائل بر این بود با وضع ماده ۶۸ ق.م.ا که مناسب و به نفع متهم نیز است تبصره ماده ۷۱۸ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ نسخ شده است.

ممکن است گفته شود ماده ۶۸ ق.م.ا در خصوص جرائم غیر عمدی مربوط به جرائم ناشی از تخلفات راهنمایی و رانندگی تا میزان حبس ۲ سال است که محاکم ملزم به صدور مجازات جایگزین حبس هستند، اما بر اساس قانون وصول تمامی جرائم مربوط به تخلفات راهنمایی و رانندگی با هر میزان مجازات حبس ولو بیش از ۲ سال (به استثناء مواد ۷۱۴ و ۷۱۸) قضات محاکم بدون داشتن حق صدور حبس می‌بایست حکم به جزای نقدی دهند، لذا جای این شبهه است که قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون وصول شدیدتر باشد، ولی با نگاه به فصل ۲۹ از قانون تعزیرات ۱۳۷۵ که به جرائم ناشی از تخلفات رانندگی اختصاص دارد پی برده می‌شود که مجازات تمامی جرائم مواد مذکور در این فصل به استثناء مجازات جرائم مواد ۷۱۴ و ۷۱۸ کمتر از ۲ سال حبس است و از آنجایی که ماده ۶۸ ق.م.ا هم محاکم را تا میزان حبس ۲ سال، ملزم به جایگزین حبس می‌کند قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون وصول شدیدتر نیست، لذا چنانچه مجازات قانونی جرم ارتكابی ناشی از تخلفات رانندگی کمتر از ۲ سال حبس باشد حکم به مجازات جایگزین حبس الزامی است، بدون اینکه دادگاه‌ها ملزم باشند حکم به آن را منوط به رعایت شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا کنند. بدین ترتیب هم بند ۱ ماده ۳ قانون وصول در حیظه جرائم غیر عمدی نسخ می‌شود و هم عدم صدور حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز داخل در مفهوم قسمت اول ماده ۶۸ ق.م.ا است که تا ۲ سال حبس را نیز شامل می‌شود و قاضی ملزم به صدور حکم به مجازات جایگزین حبس بدون لحاظ شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا خواهد بود.

در انتها قابل توجه است که مفهوم «جرم»، مذکور در ماده ۶۴ ق.م.ا که ظاهراً اطلاق به هر جرمی دارد و کلمه «می‌تواند» مذکور در ماده ۶۷ ق.م.ا و قسمت دوم ماده ۶۸ ق.م.ا که دلالت بر اختیار قاضی به استفاده از مجازات جایگزین حبس است،

مجازات جرائمی به اختیار قاضی مشمول مجازات جایگزین حبس می‌شوند که محدود به مجازات مذکور در این مواد باشد، بنابراین در جرائم عمدی که مجازات قانونی حبس آنان حداکثر بیش از ۶ ماه تا ۱ سال باشد و همچنین در جرائم غیرعمدی در صورتی که بیش از ۲ سال حبس باشد دادگاه مجاز است از اختیار خود استفاده کند تا با لحاظ شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا مثل گذشت شاکی به جایگزین حبس حکم دهد، والا به کمتر از این مجازات قانونی اختیاری برای قاضی نیست بلکه قاضی مکلف به استفاده از مجازات جایگزین حبس است، اما در خصوص بیشتر از این مجازات یعنی بیش از ۱ سال حبس در جرائم عمدی قاضی اساساً اختیاری به استفاده از مجازات جایگزین حبس ندارد بلکه از طریق دیگری مثل توجه به جهات تخفیف مذکور در ماده ۳۸ ق.م.ا مجاز به تخفیف مجازات در حکم صادره است.

۴. نتیجه‌گیری

از آنجا که سیاست جنایی تقنینی در ایران با وجود کوشش‌ها و هزینه‌ها در جهت روش‌های اجرایی کارآمدتر مجازات حبس در دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات از جمله اصلاح و درمان بزه‌کاران ناموفق بوده است تلاش‌هایی به منظور تحدید (نه حذف کامل) موارد استفاده از مجازات حبس و متنوع کردن مجازات در چارچوب برنامه‌های مجازات جایگزین حبس صورت گرفته است. به‌طور کلی قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات حبس و امکان تبدیل آن به مجازات جایگزین حبس اعم از جزای نقدی یا هر مجازات دیگر سه موضع برای قاضی تعیین کرده است، یکی اینکه قاضی ملزم است مجازات حبس را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند، در این خصوص می‌توان به ماده ۶۵ و قسمت‌های اول مواد ۶۶ و ۶۸ و ماده ۶۹ ق.م.ا اشاره کرد، دوم اینکه قاضی ملزم نیست بلکه دارای اختیار است که مجازات حبس را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند، این اختیار در جایی است که اولاً جرم عمدی و مجازات آن تا یک سال حبس باشد یا جرم غیرعمدی و مجازات آن بیش از دو سال حبس باشد، ثانیاً شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا یعنی گذشت شاکی و جهات تخفیف محقق شده باشد در این خصوص می‌توان به مواد ۶۷ و قسمت دوم

ماده ۶۸ ق.م.ا اشاره کرد، سوم اینکه اساساً قاضی به استفاده از مجازات جایگزین حبس در حکم صادره هیچ اختیاری ندارد حتی اگر شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا محقق باشد این مهم آنجاست که جرم عمدی و مجازات آن بیش از یک سال باشد در این صورت صرفاً قاضی می‌تواند با لحاظ جهات مخففه مذکور در ماده ۳۸ ق.م.ا مجازات قانونی حبس جرم ارتكابی را تخفیف دهد.

موضع اول قانون‌گذار به شرح فوق در قانون مجازات اسلامی تحت عنوان مجازات جایگزین حبس که قاضی ملزم به آن است محل بحث حاضر است، چراکه طبق قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرفان در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحیان در سال ۱۳۸۹ در بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ این قانون مجرم به سبب ارتكاب جرمی که مجازات آن حبس کمتر از ۹۱ روز باشد یا آنجا که مجازات جرمی در قانون حبس بیش از ۹۱ روز باشد به جزای نقدی به‌عنوان مجازات جایگزین محکوم می‌گردد. در قانون مجازات اسلامی هم قاضی ملزم است طبق ماده ۶۵ که در قانون مجازات جرمی تا سه ماه حبس است و نیز طبق قسمت اول ماده ۶۶ این قانون در جرائم عمدی که در قانون مجازات آن کمتر از ۶ ماه حبس باشد مستند به رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ مصوب ۱۳۹۴ بدون نیاز به احراز شرایط مذکور در ماده ۶۴ ق.م.ا یعنی گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف و نیز با لحاظ عبارت «محکوم می‌گردند» در این مواد که دلالت بر امر و الزام است مجازات حبس را به مجازات جایگزین حبس از جمله جزای نقدی تبدیل کند که از این جهت قانون مجازات اسلامی در مواد فوق‌الذکر در تقابل با قانون وصول در بندهای یک و دو قرار دارد، ولی چون قانون مجازات اسلامی نسبت به قانون وصول مؤخر التصویب و در مقام تفسیر به نفع مجرم است و مستفاد از رأی وحدت رویه فوق‌الذکر باید قائل بر این بود که قانون مجازات اسلامی قانون وصول را نسخ کرده و در نتیجه شورای حل اختلاف نیز صلاحیت خود را در رسیدگی به این نوع جرائم از دست داده است، زیرا این شورا مجاز به تعیین حبس در رأی خود نیست؛ در حالی که طبق ماده ۷۰ ق.م.ا قاضی ملزم است ضمن تعیین مجازات جایگزین حبس مجازات حبس را نیز تعیین کند تا در صورت تخلف محکوم از اجرای دستورات دادگاه حبس به اجرا در آید، لذا قانون مجازات اسلامی با

قانون وصول از جهت تخلف محکوم از اجرای دستورهای دادگاه نیز قابل تقابل است، چرا که با اجرای قانون مجازات اسلامی و تخلف محکوم از دستورات دادگاه مجازات حبس مذکور در حکم به اجرا درخواهد آمد ولی طبق قانون وصول قاضی مجاز به صدور حکم حبس نیست و اساساً تصمیمی جز حکم به جزای نقدی نخواهد گرفت.

پی‌نوشت‌ها

۱. لازم به ذکر است که معادل واژه حبس در قرآن در آیات فراوانی آمده است از جمله «اذا خرجنی فی السجن» (یوسف: آیه ۱۰۰)، «رب السجن احب الی ممایدعونی الیه» (یوسف: آیه ۳۳).
۲. برای اطلاع بیشتر از انتقادات مطروحه به مجازات حبس، رجوع کنید: منصورآبادی، عباس (۱۳۸۶) «زندانی راه حل یا مشکل»، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، چاپ اول، انتشارات میزان، ص ۶ الی ۹۵.
۳. در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۶۱ روز حبس باشد از این پس به جای حبس حکم به جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال داده خواهد شد و هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۶۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از ۲ ماه حبس یا جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال بدهد.
۴. تبصره ۱۷ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی - به رئیس قوه قضائیه اجازه داده می‌شود از ابتدای سال ۱۳۶۹ علاوه بر درآمدهای موضوع ردیف ۴۱۰۱۰۱ (خدمات قضایی) منظور در قسمت سوم قانون بودجه سال ۱۳۶۸، درآمدهای جدید مشروحه ذیل را وصول و به حساب درآمد عمومی کشور منظور نماید. ۱ - در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد از این پس به جای حبس یا آن مجازات تعزیری، حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال داده خواهد شد و هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال بدهد. در صورتی که در موارد فوق حبس و یا سایر محکومیت‌های تعزیری موضوع تخلفات رانندگی یا جزای نقدی باشد و به جای حبس یا آن مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد هر دو جزای نقدی با هم جمع خواهد شد.
۵. ۱ - در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس باشد، از این پس به جای حبس حکم به جزای نقدی از نصد هزار (۹۰۰۰۰۰) ریال تا سیزده میلیون (۱۳۰۰۰۰۰۰) ریال صادر می‌شود. ۲ - هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از ۳ ماه حبس یا جزای نقدی از نصد هزار (۹۰۰۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰۰۰۰۰۰۰) ریال بدهد.»

۶. ماده ۷۰ ق.م.ا: «دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی، مجازات حبس اجرا شود».

۷. جایگزین‌های مجازات حبس، مجازاتی هستند که به تبع محکومیت و مجازات، امکان گذراندن تمام یا بخشی از مجازات را در اجتماع و خارج از نهادهای زندان به مجرم می‌دهند. Vass(A)alternatives to prison, (custody and the community London, sage 1990) و از ویژگی‌های واکنش‌های جزایی این است که در الگوی جایگزینی، مجازات‌های نوینی مانند نظارت الکترونیکی و خدمات اجتماعی در کنار مجازات سنتی جزای نقدی در قالب فهرستی از مجازات‌ها ارائه می‌شوند تا مجموعه کاملی از جایگزین‌ها به قضات پیشنهاد کنند (Seymour, Mairead.) Alternative to Custody, The Community Foundation For (Ireland in association With Irish Penal Reform Trust, Ireland, 2005, p8

۸. جزای نقدی ممکن است ثابت یا نسبی باشد، مبلغ یا حداقل و حداکثر جزای نقدی ثابت در قانون تعیین می‌شود و جزای نقدی نسبی آن است که میزان آن بر اساس واحد یا مبنای خاص قانونی احتساب می‌گردد (صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴، ص ۲۲۸).

۹. برای اطلاع بیشتر از محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات جایگزین حبس رجوع کنید: خالقی، ابوالفتح (۱۳۸۰) جایگاه قانونی و علمی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به عنوان جایگزین مجازات سالب آزادی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

۱۰. هیئت وزیران در جلسه ۵ شهریور ۱۳۹۳ به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کشور و دادگستری و تأیید رئیس قوه قضاییه و به استناد ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، آیین‌نامه اجرایی ماده یاد شده را تصویب کرد.

۱۱. لازم به ذکر است که رئیس قوه قضاییه به استناد اختیاری که حاصل از قانون بودجه ۱۳۸۹ اعلام شده، مبلغ جزای نقدی مندرج در بند فوق را به مبلغ ۹۰۰۰۰۰۰ تا ۱۳۰۰۰۰۰۰ ریال افزایش داده است (روزنامه رسمی مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۱).

۱۲. ماده ۸۱ ق.م.ا: «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد».

۱۳. ماده ۸۲ ق.م.ا: «چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن بعد از رفع مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد، مجازات اصلی اجرا می‌شود».

۱۴. مشابه چنین مطلبی در ماده ۸-۱۳۱ قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۴ پیش‌بینی شده است، این ماده مقرر می‌دارد: «در مواردی که برای یک جرم جنحه‌ای مجازات زندان مقرر شده باشد، دادگاه می‌تواند مقرر دارد که محکوم علیه، کاری عام‌المنفعه و بی دستمزد را برای مدت ۴۰ تا ۲۴۰ ساعت به نفع یک شخص حقوقی عمومی یا

انجمنی که شایستگی و توانایی اجرای کار عام‌المنفعه را داشته باشد، انجام دهد. دادگاه مجاز نیست به متهمی که از انجام کار عام‌المنفعه سرپیچی می‌کند یا در دادگاه حضور ندارد، حکمی مبنی بر انجام این کار صادر کند. قاضی دادگاه پیش از تصمیم‌گیری متهم را از حق خود مبنی بر عدم پذیرش از انجام کار عام‌المنفعه آگاه کرده و پاسخ او را دریافت می‌نماید.»

۱۵. اشکال عمده‌ای که در بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ قانون وصول وجود دارد این است که مقنن بیشتر توجه خود را به منافع مادی حاصله از تعیین جریمه مالی به جای حبس‌های کمتر از ۹۱ روز معطوف کرد. در حالی که با توجه به عنوان و روح قانون وصول، هدف اصلی قانون‌گذار از تبدیل مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز به جزای نقدی، تأمین طریقی جهت کسب درآمد برای دولت بود و اصلاً به تعیین ملاک و ضابطه برای جایگزینی مجازات حبس مزبور به جزای نقدی التفاتی ننموده است.

۱۶. ماده ۲۴ ق.م.ا: «چنانچه محکوم طی مدت اجرای مجازات تکمیلی، مفاد حکم را رعایت ننماید، در صورت تکرار، بقیه مدت محکومیت را به حبس ... درجه هشت تبدیل می‌کند.»

۲ رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوانعالی کشور شماره ۷۴۶ _ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹: از مجموع مقررات مربوط به مجازات جایگزین حبس، موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به ویژه اطلاق مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ قانون مذکور چنین مستفاد می‌گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق‌الاشاره الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نیست. بر این اساس رأی شعبه سی و هفتم دیوان عالی کشور تا حدی که با این نظر مطابقت دارد به اکثریت آراء صحیح تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

۱۸. تبصره ۳ ماده ۳ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مقرر می‌دارد: «...جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها فقط تا ۳ ماه حبس ... است مستقیماً در دادگاه مربوط مطرح می‌شود.»

۱۹. شورای حل اختلاف یک مرجع غیر قضایی است که صالح در رسیدگی قضایی و حل و فصل اختلافات و صدور حکم است. در سال ۱۳۸۷، قانون شورای حل اختلاف به منظور کاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی در راستای توسعه مشارکت‌های مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارند و یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است، از کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس گذشت و به تصویب رسید (خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۱، ص ۳۵۲).

۲۰. تبصره ۲ ماده ۹: «شورای حل اختلاف مجاز به صدور حکم شلاق و حبس نیست.»

۲۱. طبق گزارش توجیهی لایحه مجازات اجتماعی جایگزین زندان ۱۳۸۴، فقط ۳۲ جرم عمدی دارای مجازات قانونی حداکثر سه ماه می‌باشند (مرکز مطالعات راهبردی و توسعه قضایی، گزارش توجیهی لایحه مجازات اجتماعی جایگزین زندان، تهران، قوه قضاییه، ۱۳۸۲، ص ۵۷ الی ۶۷).

۲۲. رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور شماره ۶۴۲ مورخ ۱۳۷۸/۹/۹: به صراحت بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب اسفند ماه ۱۳۷۳ در موضوعات کیفری در صورتی که حداکثر مجازات بیش از ۹۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک تا سه میلیون ریال بدهد. فلذا تعیین مجازات حبس کمتر از ۹۱ روز برای متهم، مخالف نظر مقتن و روح قانون است و چنانچه نظر دادگاه به تعیین مجازات حبس کمتر از مدت مزبور باشد می‌بایستی حکم به جزای نقدی بدهد. با این کیفیات رأی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر مرکز استان خراسان که حکم ۳ ماه حبس دادگاه عمومی را فسخ و متهم را به جزای نقدی محکوم کرده است، منطبق با این نظر است و به اکثریت آراء موافق موازین قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی بر طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.
۲۳. فردی به اتهام تصرف عدوانی و مستند به ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ (که دارای مجازات از یک ماه تا یک سال حبس است) به تحمل یک ماه حبس تعزیری محکوم می‌گردد و شعبه چهاردهم دادگاه تجدیدنظر استان خراسان، تجدیدنظرخواهی را مردود اعلام و رأی را صحیح دانسته است.
۲۴. ماده ۷۳ ق.م.ا مقرر می‌دارد: «در جرائم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال حبس، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید».

منابع

الف. فارسی

قرآن کریم

آشوری، محمد (۱۳۸۲)، «جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین»، تهران: انتشارات گرایش.

آقایی جنت‌مکان، حسین (۱۳۹۱)، حقوق کیفری عمومی، جلد ۲، تهران: انتشارات جنگل.

آنسل، مارک (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

آئین نامه اجرائی مجازات جایگزین حبس مصوب ۱۳۹۳/۶/۵ هیات وزیران.

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۹)، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران: انتشارات میزان.

اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۲)، «جایگزین‌های زندان کوتاه‌مدت در حقوق کیفری ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱ و ۱۲.

باهری، محمد (۱۳۸۰)، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات مجد.

خالقی، ابوالفتح (۱۳۸۰)، جایگاه قانونی و علمی محرومیت از حقوق اجتماعی و خدمات عمومی به عنوان جایگزین مجازات سالب آزادی، رساله دکتری، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۱)، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۴)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر دکتر معین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

رای وحدت رویه هیات عمومی دیوانعالی کشور به شماره ۷۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ زراعت، عباس (۱۳۹۲ الف)، شرح مختصر مجازات اسلامی، تهران: انتشارات ققنوس.

- زراعت، عباس (۱۳۹۲ب)، **حقوق جزای عمومی** ۳، جلد ۲، تهران: انتشارات جنگل.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران»، **مجله حقوقی دادگستری**، تهران قوه قضاییه، شماره ۶۴.
- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۳)، **قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی**، جلد ۱، تهران: انتشارات میزان.
- شمس ناتری، محمدابراهیم و ریاحی، جواد (۱۳۹۱)، «ارزیابی مجازات اجتماعی مندرج در لایحه مجازات اسلامی در پرتو الگوی جایگزینی»، **مجله حقوق اسلامی**، شماره ۳۳.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۴)، **حقوق جزای عمومی**، جلد ۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
- صلاحی، جاوید (۱۳۵۴)، **کیفرشناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۸)، **حقوق جنایی**، تهران: انتشارات فردوسی.
- قانون مجازات عمومی (۱۳۵۲)**
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲**
- قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و اصلاحی ۱۳۸۹**
- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵**
- قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۴ و اصلاحی ۲۰۰۳**
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، **فلسفه حقوق**، مبحث نسخ ضمنی، جلد ۲، تهران، انتشارات میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۲)، **محتشای قانون مجازات اسلامی**، تهران: انتشارات مجد.
- ماده واحده قانون امکان تبدیل زندان در امور خلافی مصوب ۱۳۰۷/۲/۲۶ کمیسیون عدلیه
- ماده واحده قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸
- مرکز مطالعات راهبردی و توسعه قضایی (۱۳۸۲)، **گزارش توجیهی لایحه مجازات**

اجتماعی جایگزین زندان، تهران: قوه قضاییه.

منصورآبادی، عباس(۱۳۸۶)، «زندان راه حل یا مشکل»، مجموعه مقالات همایش

راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران: انتشارات میزان.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین(۱۳۸۳-۱۳۸۲)، تقریرات درس جرم‌شناسی، دوره

کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

نظریه مشورتی به شماره ۷/۹۲/۱۱۰۸ مورخ ۹۲/۶/۱۲

نظریه مشورتی به شماره ۷/۹۲/۲۱۱۹ مورخ ۹۲/۱۱/۶

نظریه مشورتی به شماره ۷/۹۲/۱۰۵۳ مورخ ۹۲/۶/۴

یکرنگی، محمد و ایران‌منش، مهدی(۱۳۸۷)، «کیفرهای اجتماع محور از نظریه تا عمل»،

مجله حقوقی دادگستری، تهران، قوه قضاییه، شماره ۶۴.

ب. انگلیسی

Brownlee, Ian(1998), **Community punishment, A Critical Introduction**, First edition, London, Longman, 1998

Mackenzie, Doris(2001), **L Sentencing and Corrections In the 21st Century, Setting the Stage for the future**, U.S.

Department of Justice.

Martin, Elizabeth(2002), **Oxford dictionary of law**, university press, fifth edition.

Seymour, Mairead(2005), **Alternative to Custody**, The Community Foundation For Ireland in association With Irish Penal Reform Trust, Ireland.

Vass(A),(1990), **alternatives to prison**, custody and the community London, sage 1990.